

داستان زندگی عجیب سو مک

غلبه اراده بر فراموشی

ترجمه: فرهاد مشتاق

■ **ام.اس.ان.بی.سی:** سو مک زندگی عجیبی دارد. او به خاطر یک حادثه، حافظه‌اش را از دست داد اما اراده او به قدری بالا بود که با وجود مشکلاتش توانسته به خواسته‌هایش در زندگی برسد. این بانوی ۴۵ ساله، بعد از حادثه‌ای که فراموشی را برایش به همراه داشت همه چیز را از نو شروع کرد از راه رفتن گرفته تا خواندن، نوشتن و رانندگی اما این چیزها برای او کافی نبود و در نهایت سو توانست مدرک دانشگاهی خود را هم بگیرد. او که قبل از این حادثه، یک مادر خانه‌دار بود، می‌گوید: «همه چیز برایم عجیب و گیج‌کننده است، چراکه آنهایی که مرا می‌شناختند، می‌گفتند که زندگی من کاملا تغییر کرده و حالا آدم جدیدی هستم» جیم، همسر سو می‌گوید که زنش حالا مهربان‌تر شده و دیگر شرایط سابق را ندارد که شوهر و فرزندانش را هم نمی‌شناخت. او می‌گوید: «مهم‌ترین مساله از دست ندادن امید و مقاومت در برابر اتفاقات است. هر حادثه‌ای که به وجود آمد امیدتان را از دست ندهید و با آن اتفاق روبرو شوید.» مشکل مک از فوریه ۱۹۸۸ شروع شد. او در ۲۲ سالگی‌اش بدترین اتفاق ممکن را تجربه کرد و به خاطر اصابت پنهک سقفی به گیجگاهش حافظه خود را از دست داد. بیماری او آنقدر نادر و کمیاب بود که خیلی‌ها به آن لقب «فراموشی هالیوودی» دادند، چون خارج از فیلم‌ها چنین حادثه‌ای پیش نمی‌آید. او گذشته‌اش را به طور کامل فراموش کرده بود. سو یک هفته در کما بود و دکترها از او قطع امید کرده بودند. کار به جایی رسید که به شوهر او اطلاع دادند تا بچه‌هایش را به بیمارستان بیاورد و برای آخرین بار با همسرش ملاقات کند. جیم علاقه زیادی به یادآوری آن روزها ندارد، چراکه دوست ندارد دوباره شرایط وحشتناکی که تجربه کرده بود، جلو چشمش رژه برد. به هر حال آن روزها سپری شد و سو مک به طرز معجزه‌آسایی به زندگی بازگشت اما مشکل اینجا بود که او حافظه‌اش را از دست داده بود و در ۲۲ سالگی مثل یک نوزاد، هیچ کسی را نمی‌شناخت. همه نزدیکانش برای او تبدیل به یک‌سری غریبه شده بودند و هیچ چیزی از ازدواج و تولد فرزندانش را به یاد نمی‌آورد. سو مک دو ماه در بیمارستان بستری بود تا دوباره با یکسری نکات اولیه نظیر خواندن آشنا شود.



جالب اینکه او هیچ چیزی از آن زمان هم در ذهن ندارد: «واقعاً چیزی بادم نیست اما فکر می‌کنم اگر بخواهم دوباره آن شرایط را تجربه کنم از ترس زبانم بند بیاید او وقتی شرایط لازم برای بازگشتن به کانون خانواده‌اش را پیدا کرد، نمی‌دانست چه رفتاری باید با آنها داشته باشد. به همین دلیل جیم مثل یک برادر بزرگ‌تر از همسرش مراقبت کرد. آنها صاحب یک بچه دیگر هم شدند و خوشبختانه سو این بچه را کاملاً به خاطر می‌آورد.

خانه‌ای پر از غریبه

سو مک در روزهای اول بازگشت به خانه هیچ تفاوتی با شخصیت فیلم‌های هالیوودی نداشت. او باید هر روز با یک‌سری آدم روبرو می‌شد که هیچ پیش‌زمینه‌ای از آنها نداشت و جالب اینکه این قضیه هر روز برای او تکرار می‌شد. فکر کنید هر روز که از خواب بیدار می‌شوید از خودتان بپرسید این غریبه‌ها در خانه من چه کار می‌کنند. داستان تماس‌های تلفنی هم دست‌کمی از بقیه مسایل نداشت. سال‌ها طول کشید تا سو بتواند به تنهایی برای خرید از خانه خارج شود و در راه بازگشت یادش بیاید که ماشینش را کجا پارک کرده است. او به آلبوم عکس‌هایش خیره می‌شد و از خودش می‌پرسید که این فرد چه کسی است. او بعد از مدتی به این نتیجه رسید که بهترین راه برای مقابله با چنین وضعیتی، تحصیل است. او در کنار بچه‌هایش شروع به درس خواندن کرد و پشتکارش به حدی بود که با وجود تمام مشکلاتش در سال ۲۰۰۷ در کالج مونته‌گومری ثبت‌نام کرد و رفته‌رفته توانست خودش را با مشکل بزرگش وفق دهد. این مهم‌ترین هدف او بود، چراکه حالا توانسته بود کاری را شخصا انجام دهد. او حالا به تحصیلاتش در کالج اسیمت در ماساچوست ادامه می‌دهد و می‌خواهد از زندگی جدیدی که دارد، نهایت لذت را ببرد.

نفرت موریس ویلکینسون از بیکاری

آقای پستی قصد بازنشستگی ندارد

ترجمه: رامین طبرسی



عکس: mstbce

کند. او به خاطر احترامش به مشتریان جایگاه ویژه‌ای در صنفش دارد» موریسون ادامه می‌دهد: «او به مشتریانش اهمیت زیادی می‌دهد و بارها شده که در ساعات غیرکاری هم به مشتریانش سر بزند و از شرایط آنها باخبر شود. این شیوه کاری موریس در ۴۰ سال گذشته بوده است» با اینکه ویلکینسون از ۶۴ سال گذشته تا امروز در اداره پست مشغول به فعالیت بوده اما یک نفر دیگر از نظر سابقه کاری روی دست او بلند شده. رودی تمپستی ۶۵ سال است که نامه‌های مردم را به خانه‌شان می‌برد. او هم مثل ویلکینسون در جنگ جهانی دوم خدمت کرده و بعد از پایان جنگ به دنبال یک کار ثابت بوده که پستی بودن قسمتش می‌شود. برگردیم به بحث اصلی مان. ویلکینسون می‌توانست در ارتش به مقام‌های بالاتری برسد. او جزو

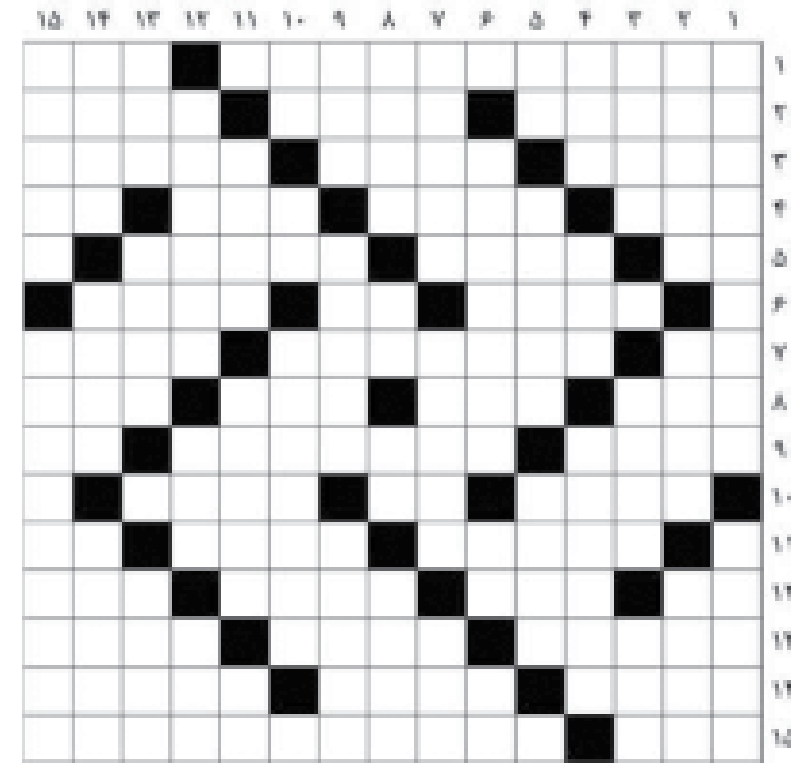
می‌شدند تا حال‌شان بهتر شود. ویلکینسون هم به یکی از پایگاه‌های نیروی دریایی در منطقه نیوپورت فرستاده شد و بعد از بهتر شدن و پایان یافتن دوره خدمتش به خانه‌اش در ایالت اوباما برگشت تا وارد اداره پست شود. هنوز مدتی از این قضیه نگذشته بود که موریس از همسر آینده‌اش یعنی نورا خواستگاری کرد و حالا ۶۱ سال است که با هم زندگی می‌کنند. ویلکینسون با خنده می‌گوید: «هنوز برنامه‌ای برای طلاق نداریم» از زمانی که او وارد اداره پست شده تا امروز تغییرات زیادی در این عرصه رخ داده و سیستم پستی دیگر مثل دهه ۴۰ نیست. تغییرات به حدی بوده که اداره پست امسال مجبور شد تعداد زیادی از کارمندان خود را کنار بگذارد. بین آنها افرادی هم بودند که در مراسم بدرانی از ویلکینسون حضور داشتند.

جایی در دوردست

دختر بدهید پسر بگیرید

■ **دیلی‌میل:** در شهر ایندور هند اتفاقات نگران‌کننده‌ای می‌افتد. گفته می‌شود پزشکان این شهر سالانه جنسیت هزاران دختر کوچک را عوض می‌کنند تا خواسته والدین آنها مبنی بر داشتن فرزند پسر عملی شود. به نوشته روزنامه هندوستان تایمز؛ مردم خرافاتی شهر ایندور که علاقه زیادی به فرزند پسر دارند، دختران یک تا پنج ساله خود را به بهترین بیمارستان‌های این شهر می‌برند تا با انجام انواع و اقسام عمل‌های جراحی جنسیت آنها عوض شود. هندی‌ها علاقه زیادی به پسر دارند. این علاقه به حدی است که از مایش تشخیص جنسیت کودک در طول دوران بارداری غیرقانونی شده، چراکه مادران اگر بدانند پجه‌شان دختر است، سقط‌جنین خواهند کرد. در بعضی ایالت‌های هند مثل پنجاب آمار زنان به مردان هفت به ۱۰ است. خانواده‌های ثروتمند از دهلی و ممبایی به ایندور می‌آیند و حداقل دو هزار پوند هزینه می‌کنند تا جنسیت بچه‌شان عوض شود. خبر این قضیه در بسیاری از سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی پخشیده. تسلیما نسیرین که یک نویسنده فمینیست است در صفحه خود به این بی‌عدالتی اشاره کرده: «این موضوع حسابی شوکه‌کننده است. مردم نه تنها دختران به دنیا نیامده را می‌کشند، بلکه جنسیت آنها را هم عوض می‌کنند. پزشکی که این عمل‌ها را انجام می‌دهند باید زندانی شوند.» قرار است کمیته ملی دفاع از حقوق کودکان در مورد این قضیه تحقیق کند. خانواده‌های هندی در شرایطی خواهان تغییر جنسیت فرزندانشان هستند که به گفته پزشکان این عمل از روی ژنتیکی و هورمونی تاثیر بدی روی بچه جدید خواهد گذاشت. تا امروز بیش از ۳۰۰ عمل تغییر جنسیت در شهر ایندور توسط هفت متخصص انجام شده که یکی از آنها روی دختری که سنش بیش از ۱۴ سال بود، انجام شد. هرچند پزشکان عقیده دارند که بچه‌هایی که جنسیت‌شان عوض شده در آینده با مشکلات جسمی و روحی دست و پنجه نرم خواهند کرد اما والدین آنها چنین اعتقادی ندارند. یکی از این خانواده‌ها می‌گوید: «بعید است بچه‌مان زمانی که بزرگ شود مشکلی پیدا کند و او مثل سایرین یک زندگی نرمال خواهد داشت.» با توجه به اینکه قانون مناسبی برای حمایت از دختران کوچک وجود ندارد، احتمال افزایش این عمل‌ها وجود دارد. پزشکی که مخالف این قضیه هستند، امیدوارند وزارت بهداشت هند حساسیت و سختگیری بیشتری روی این قضیه داشته باشد و نگذار مردم به خاطر یکسری اعتقادات خرافاتی با آینده‌بچه‌هایشان بازی کنند.

زیر لب- زد و بند- اعتبار ۱۰- غذایی متنوع- برهنه- نام سابق ممسنی ۱۱- تمام- نام پیشین کشور مجارستان- رختخواب ۱۲- یکی از آثار هومر- سبزی خوردنی- چاه جهنم ۱۳- جعبه میز- پادشاهان- بری ۱۴- نام گلی- نمایشنامه معروف شکسپیر- جمع کنیه ۱۵- گنگ شدن- ورزشگاهی در هند و محل مسابقات مقدماتی جام آسیا در سال ۱۹۶۰



		۹	۷	۲	
	۹		۶		۸
	۲	۶		۷	۹
			۴	۹	۷
۲			۵		۴
	۶		۷	۳	۸
				۱	۵
		۸		۳	
			۵	۴	۸

سودوکو ۲۶۶

قانون‌های حل جدول

سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

افتی:

- ۱- اثری از ملا محمد مجلسی- لباس
- ۲- طرد کردن- هر چیز گسترده- فتنه
- ۳- نامی پسرانه- بیمارستانی در تهران- باجه و گیشه
- ۴- دیوار سیم توری- تنگنا- پول خرد اسپانیا- بوی ماندگی
- ۵- رفت در گویش مشهدی- شهر اصفهان-
- ۶- نیک- رایگان- گل شهیدان-۷
- ۷- عدد منفی- از سیاستمداران همه فن حریف فرانسه- مجلس روسیه
- ۸- سوره آخر- فرزند زاده- گاز استخر
- ۹- باران کم- بخش حلزونی گوش میانی- هزار کیلو
- ۱۰- اتاق پذیرایی- پر گویی- شهر تاج محل
- ۱۱- به کمال رسیدن- پینه پوست- نوعی زغال سنگ
- ۱۲- تکرار حرف بیست و شش- و سنی- فراتر- فهرست غذا
- ۱۳- پرنده‌ای- دوباره- سختی
- ۱۴- ته نشین- اشکار- سدی در استان مرکزی
- ۱۵- نشانه آسیب با بیماری- انتقال قدرت

عمودی:

۱- پراکنده کردن- پرسه زن

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

سودوکو Sudoku یک بازی ترکیبی زاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.

۸	۹	۶	۲	۷	۱	۳	۴	۵
۵	۷	۲	۶	۴	۳	۱	۹	۸
۴	۳	۱	۸	۵	۹	۷	۲	۶
۹	۲	۸	۷	۶	۴	۵	۱	۳
۷	۴	۳	۱	۹	۵	۶	۸	۲
۶	۱	۵	۳	۸	۲	۴	۷	۹
۱	۸	۷	۵	۲	۶	۹	۳	۴
۲	۶	۹	۴	۳	۷	۸	۵	۱
۳	۵	۴	۹	۱	۸	۲	۶	۷

روزگار مصر بعد از انقلاب

جایی برای توریست‌ها نیست

ترجمه: امین دانشور

احتمال می‌داند که در آنجا ممکن است اتفاقاتی به وجود آید که تصویر بدی از مصر در ذهن خارجی‌ها نقش ببندد. آنهایی که در نزدیکی اهرام ثلاکه مغازه دارند از روزهایی می‌گویند که به دلیل ازدیاد مشتری اجناس آنها خیلی زود تمام می‌شد و کرکره مغازه را زود پایین می‌کشیدند اما بعد از انقلاب همه چیز تغییر کرده. هم قیمت‌ها بالا رفته، هم خبری از ازدیاد توریست نیست و آنها به امید دیدن یک چشم آبی تا ساعات زیادی منتظر می‌مانند. جبار عبدل که از ۲۰ سال قبل در کنار اهرام فروشندگی می‌کرده می‌گوید: «یکی مثل من که دوش به خرد خراجی‌ها خوش است. این روزها اصلاً اوضاع خوبی ندارد.» اما بدتر از فروشندگان، آنهایی هستند که اسب و شتر در اختیار توریست‌ها قرار می‌داند. طارق سید مجبور به فروش یکی از دو شترش شد تا بتواند به آن یکی رسیدگی کند. شتر سفید و چابکی که طارق به او میگی ماوس می‌گوید. او که اوضاع خوبی ندارد، می‌گوید: «سال قبل کار و بار خیلی خوب بود اما الان اگر روزی یک مشتری هم داشته باشم، کلاهم را هوا می‌اندام.» به گفته کارشناسان اقتصادی، رشد اقتصاد مصر امسال حداکثر یک درصد خواهد بود که در برابر ۵/۵ درصدی رشد در شش ماهه دوم سال ۲۰۱۰ خبر خوبی برای مصری‌ها محسوب نمی‌شود. مواردی نظیر آمار بالای بیکاری، ناآرامی در خیابان‌ها و افزایش قیمت کالاها به خصوص مواد غذایی در این قضیه بی‌تاثیر نبوده است. شاید تنها دلخوشی مصری‌ها این باشد که احتمالاً بازودی صنعت توریسم این کشور به روزهای اوجش بازخواهد گشت. تولیدرهای امیدوارند این احتمال تبدیل به واقعیت شود تا دوباره روی خوش زندگی را ببینند.

لس آنجلس تایمز: این روزها کسانی که در مصر راهنمای توره‌های گردشگری هستند، بیکاری نمی‌دانند چه کار کنند. شرایط چند ماه اخیر مصر باعث شده دیگر توریست‌ها به این کشور آفریقایی سفر نکنند و به همین دلیل اکثر تولیدرهای کاری جز نشستن در خانه ندارند. ماه‌ها از انقلاب مصر و خلع حسنی مبارک رییس‌جمهور این کشور از قدرت می‌گذرد اما هانی ابراهیم که راهنمای توره‌های گردشگری بوده، این روزها تنها ۲۰ درصد توریست‌هایی که به مصر می‌آیند را می‌بیند. او طی ۱۰ ساله که در این کار بوده تا امروز اوضاع را اینقدر بد ندیده بود و به نظارش این قضیه می‌تواند روی اقتصاد مصر هم تاثیر منفی داشته باشد. «توریسم یکی از منابع اصلی درآمد مصر بود اما الان اوضاع طوری شده که توریست‌ها از آمدن به کشور ما می‌ترسند» و هم مثل خیلی‌های دیگر می‌داند که بعد از انقلاب در کشورش کمتر توریستی حاضر است ریسک کند و به مصر سفر کند. گفته می‌شود درآمد مصر از صنعت توریسم امسال رقی در حدود ۷/۶ میلیارد دلار خواهد بود که در مقایسه با سال گذشته ۳۵ درصد کمتر شده است. حالا و در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور – که شهروپروام بر گزاف خواهد شد – همه در انتظار این هستند که آیا خارجی‌های زیادی تابستان مصر را خواهند دید یا نه. مدتی قبل دوباره درگیری‌های خیابانی در میدان تحریر قاهره روی داد که به همین دلیل بسیاری از افرادی که قصد سفر به مصر را داشتند، در تصمیم‌شان تجدید نظر کردند. آن دسته از افرادی هم که ریسک کرده‌اند و بلیت مصر گرفته‌اند، می‌گویند که به دلایل امنیتی با یک‌سری محدودیت‌ها روبرو شده‌اند. آنها را به یک‌سری اماکن تاریخی نبرده‌اند، چون



تور تیراندر مصری‌این روزها هیچ کاری ندارد